مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۱۰ ، زمستان ۱۳۹۶جلد۲، ص ۱۱۲-۹۶
http://www.jhss.ir

سنجشِ رضایتِ مردمی از عملکرد نهادهای مسئول و میزانِ مشارکت شهروندان در ادارۀ امور شهری (مطالعۀ موردی: شهر بانه)

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۱۰/ زمستان ۱۳۹۶ / ص ۱۱۲-۹۶

ژیلا سجادی[۱]، جمیله توکلی‌نیا[۲]، فرید واحدی یگانه[۳]، سوران روشنیان[۴]

[۱] دانشیار جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

[۲] دانشیار جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

[۳] دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

[۴] دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای گردشگری، دانشگاه خوارزمی تهران

(نویسنده مسئول):

ژیلا سجادی

چکیده

آنچه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلیۀ شهروندان در فعالیت‌های شهری است که رضایت‌مندی شهروندان را برای مدیریت شهری به ارمغان می‌آورد. هر چه توده‌ی مردم جامعه، مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان کسب موفقیت بیشتر فراهم می‌شود و اقشار محروم جامعه از نتایج مشارکت حاصل از توسعه بهره‌مند می‌شوند. بر همین اساس هدف اصلی مقاله، سنجش عملکرد نهادهای مسئول شهری و اندازه‌گیری میزان مشارکت شهروندان در ادارۀ امور شهر بانه است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و پژوهش از نوع کاربردی است. شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، از طریق پرسشنامه، مصاحبه و پیمایش صورت گرفت. روش نمونه‌گیری، تصادفی بوده و تعداد نمونه از طریق فرمول کوکران ۴۰۰ نفر تعیین شد. تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS از جمله روش‌های آماری همچون آزمون T Test، تحلیل رگرسیون چند متغیّره، آزمون ANOVA یا F و آزمون رتبه‌بندی فریدمن (Friedman) انجام شد، و برای آزمون فرضیات تحقیق نیز از ضریب همبستگی کندال بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهدکه شهروندان بانه از عملکرد مدیریت شهری رضایت کافی ندارند. دو نهاد استانداری و نمایندگان مجلس به ترتیب بهترین و ضعیف‌ترین عملکرد را از نظر شهروندان داشته‌اند. همچنین، شهروندان نیز مشارکت چشمگیری در ادارۀ امور شهری بنا به دلایل مختلفی از جمله وضعیت اقتصادی ضعیف، پایین بودن سطح تحصیلات دانشگاهی، بی‌توجهی و کم توجهی مدیران و مسئولین شهری نسبت به ایده‌ها، نظرات و پیشنهادات شهروندان نداشته‌اند و فقط در دو مورد مشارکت ذهنی و سیاسی به ترتیب با (۳۹ و ۳۰ درصد فراوانی پاسخ‌ها)، مشارکت نموده‌اند.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، حقوق شهروندی، مشارکت شهروندان، برنامه‌ریزی شهری

مقدمه و طرح مسئله

مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن، در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدنیا، ۱۳۷۹: ۴۶)، به همین جهت با آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰، پژوهش در حوزه‌ی مشارکت جهت‌گیری تازه‌ای یافت؛ به گونه‌ای که روش‌شناسی و تدوین فرضیه‌ها و آزمون آن بر اساس نظریه‌ها، مد نظر قرار گرفت. اینجا بود که مطالعات از توجه به جامعه‌های کوچک، متمایل به شبکه‌های رسمی و غیررسمی نواحی متروپلیتنی شد و مقاله‌های زیادی در خصوص تاثیر طبقه، تفاوت‌های خانوادگی، آموزش و... بر امر مشارکت به رشته‌ی تحریر درآمد. نهایت امر اینکه، الکس دوتوکویل[1] از اواسط قرن ۱۹، مشرکت عمومی در زندگی مدنی شهری را مطرح کرد (Baum,2001:1840 – 1841). بنابراین می‌توان گفت که مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنه‌داری در حوزه‌ی برنامه‌ریزی بوده و به همین دلیل برنامه‌ریزان شهری تلاش کردند در تصمیم‌گیری‌های شهری، از نظرهای شهروندان آگاه شده و با همکاری آنان، برنامه‌های خود را عملی کنند؛ چراکه معتقد بودند، مشارکت شهروندان را مسئولیت‌پذیری بار آورده و به فرآیندهای تصمیم‌گیری مشروعیت می‌بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان، سبب میشود مسئولان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی کنند (Brown & Harris,2005: 97 – 99). مشارکت دربرگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است. همچنین مشارکت را می‌توان کنشی آگاهانه، دواطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان‌یافته‌ی افراد و گروه‌ها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی در همه‌ی سطوح کلان، میانی و خرد تعریف کرد (عبداله‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). تجربه نشان داده است که طرح‌های دولتی بدون جلب مشارکت مردمی، حالت کم‌رنگی به خود می‌گیرند. علاوه بر آن مهمترین مزیت مشارکت بهره‌برداران، حفاظت و کنترل عرصه‌های ایجاد شده است که در تداوم بهره‌برداری و ایجاد بستر مناسب و مساعد، نقش مهمی بر عهده دارد. روش‌ها و رویکردهای مشارکتی برای ایجاد انگیزش در مردم، یکی از راهبردهای مورد توافق برنامه‌ریزان توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است. مشارکت دادن یک به یک افراد جامعه در فرآیند توسعه، به معنای قدرت دادن به ضعیف‌ترین و فقیرترین افراد جامعه برای تشویق آنها به اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها و قرار دادن این گروه در متن آن است. طرح‌های مشارکتی زمانی به اهداف خود نزدیک می‌شوند که بین مردم و نهادهای سیاست‌گذار و برخوردار از امکانات مالی نوعی "جابجایی قدرت" انجام شود (علیزاده اقدم و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۷). در حال حاضر در ایران، مردم فقط از طریق شوراها در مدیریت شهری شهرها مشارکت دارند و هیچ مشارکتی در روند تهیه و اجرای طرح‌های شهری و مدیریت شهری شهرها ندارند، در صورتی که باید به نقش مردم در مدیریت شهری توجه بیشتری شود (زیاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۳). با توجه به اهمیت مشارکت مردم در برنامه‌های مرتبط با مدیریت شهری و همچنین دخالت دادن در اداره‌ی امور شهری، هدف این تحقیق سنجشِ رضایتِ مردمی از عملکرد نهادهای مسئول و میزانِ مشارکت شهروندان در ادارهٔ امور شهریِ شهر بانه می‌باشد. با توجه به رشد سریع و غیرقابل پیش‌بینی جمعیت شهری شهر بانه با نرخ رشد شهرنشینی۳.۸۸، بالاترین نرخ رشد را در استان کردستان داراست (مرکز آمار ایران / ۱۳۹۰))، و به تبع آن شاهد افزایش مشکلات و معضلات شهری، از جمله: نبود زیرساخت‌های کافی و با کیفیت در این شهر، کمبود فضای سبز، ساخت و سازهای غیرمجاز، حاشیه‌نشینی بیش از حد و غیرمتعارف (یکی از مهمترین مشکلات شهر بانه) که به دلیل هجوم روستائیان اتفاق افتاده است و لزوم اهمیت همکاری بین مسئولین و نهادهای شهری با مشارکت مردم در ادارهٔ امور شهری، و حل و برطرف کردن مشکلات، بیش از پیش آشکار می‌شود.

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه خارجی: همانگونه که شواهد تاریخی نشان می‌دهد، مشارکت شهروندی و جامعه‌ی مدنی به گونه‌ای ابتدایی از سابقه‌ی پس طولانی برخوردار است. بنا بر نظریات بسیاری از اندیشمندان (به ویژه افلاطون و ارسطو) دولت - شهرهای یونان، نمادی از این مشارکت هستند که از دوران باستان تا به امروز همواره به اشکال گوناگون در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها به روز شده است. در تمدن یونان باستان مشارکت شهروندی در اداره‌ی امور شهری از اهمیت بسزایی برخوردار بود. از این رو آنان معتقد بودند تنها دولت – شهرها هستند که می‌توانند به انسان به عنوان شهروند هویت بخشند. (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰: ۴۹). یکی از نخستین مطالعات در حوزه‌ی مسائل شهری از حیطه‌ی اداره‌ی مردمی شهر را، «برایان مک لالین[2]» در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ انجام داده است. از نظر او، اداره‌ی مردمی شهر، نوعی فرآیند است که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را دربرمی‌گیرد. افراد

[1] *Alexisl de Tocqueville*
[2] *Brian Mc Laughin*

دیگری همچون «اتکینسن و مک کینلی» نیز پس از او این بحث را مطرح کردند. این مفهوم نه تنها با تشکیلات دولتی و رسمی، و همچنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسما امور عمومی را اداره می‌کنند ارتباط می‌یابد، بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را دربرمی‌گیرد (UN, 2000: 1). «ترنر و بارت» مولفه‌های اصلی اداره‌ی مردمی شهر را موارد زیر دانسته‌اند: مشروعیت حکومت، مسئولیت و پاسخگویی و در واقع اصل اساسی اداره‌ی مردمی شهر و تحقق آن را مشارکت شهروندان می‌دانند. در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در این راستا کسانی مثل: روسی[3] (۲۰۰۶)، اسمیت[4] (۲۰۰۶)، و لی[5] (۲۰۰۶) در تحقیقات خود نشان دادند که برای افزایش مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور مختلف، وجود اعتماد الزامی است (خادم‌الحسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

پیشینه داخلی: پیشینه‌ی اداره‌ی امور در جامعه ایران نشان می‌دهد که خودکامگی و تمایل نظام سیاسی به تمرکز کلیه‌ی امور، بینشی را در نزد مردم پرورش داده که بر اساس آن دولت باید تامین کننده‌ی احتیاجات و نیازهای مردم باشد و مردم به سبب آن که خودکامگی اجازه و فرصت مشارکت در اداره‌ی امور را به آنها نداده، همیشه در انتظار اقدامات دولت هستند. در این میان اگر هم سخنی از مشارکت رفته، بیشتر منظور مشارکت مالی و انسانی در اموری بوده که مردم در تعیین اهداف و در برنامه‌ریزی آن دخالتی نداشته‌اند. از نظر تاریخی می‌توان آغاز الگوهای مشارکتی جدید اداره امور شهرها در ایران را انقلاب مشروطیت در سال ۱۲۸۷ خورشیدی در نظر گرفت. در واقع تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب قانون اساسی و متمم آن خود نخستین تجربه‌های مشارکتی به شمار می‌روند. موضوعی که با توجه به خودکامگی همیشگی نظام سیاسی ایران، نو و بی‌سابقه است. پس از تشکیل شورای ملی، نخستین گام برای تحقق مشارکت مردمی در اداره امور شهرها با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سال ۱۲۸۶ برداشته شد. ایجاد این انجمن‌ها در اصل به عنوان پاسخ به نگرش مردم سالاری به درخواست بانیان مشروطیت بود. بر این اساس بود که در اصول ۲۹، ۹۰ تا ۹۳ (متمم قانون اساسی مشروطه) ایجاد این انجمن‌ها را پیش‌بینی می‌کرد. با به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴، دگرگونی‌های بسیاری در ساختار جامعه‌ی ایران بوجود آمد. در سال ۱۳۰۹ به منظور شرکت دادن مردم در اداره‌ی امور شهرها به ترتیب قانون بلدیه و آئین‌نامه مربوطه تصویب شد. پس از سقوط رضا شاه در سال ۱۳۲۰، آغاز دوران جدیدی در تاریخ ایران بود. در ۴ مرداد ۱۳۲۸، قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر و قصبات به تصویب مجلس رسید و قوانین گذشته را ملغی کرد. لایحه‌ی قانونی شهرداری سه سال بعد در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ به تصویب رسید. قانون جدید شهرداری در سال ۱۳۳۴ به تصویب کمیسیون مشترک مجالس سنا و شورای ملی رسید. اما بار دیگر در سال ۱۳۴۵، با تغییراتی که در قانون شهرداری‌ها داده شده از اختیارات وزارت کشور به عنوان تنها نهاد صالح برای انحلال انجمن‌های شهر کاسته شد و انتخاب شهردار نیز بر عهده انجمن شهر گذارده شد. اما بعد از انقلاب تلاش برای افزایش مشارکت و دخالت مردم در اداره امور شهرها صورت گرفت. در قانون اساسی اصول سوم، هفتم، صدم، یکصدویکم، یکصدوسوم، یکصدوپنجم و یکصدوششم درباره‌ی شوراها بحث کرده است. مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تشکیلات شوراهای اسلامی در آذر ماه ۱۳۶۱ موافقت کرد و در سال ۱۳۷۵ اصلاحاتی در آن صورت گرفت. (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰: ۶۲ - ۷۰). از نمونه‌های مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری در سال‌های اخیر، می‌توان به این تحقیقات اشاره کرد: هاشمیان و همکاران در سال (۱۳۹۰) در مقاله خود «عوامل موثر بر میزان مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر مشهد» به بررسی این موضوع پرداختند که نتایج حاصل از آن نشان داد که میانگین مشارکت مردم در اداره‌ی امور شهر بسیار زیاد است و همچنین موثرترین متغیر موثر بر مشارکت شهروندان، رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری می‌باشد. همچنین مهرزاد (۱۳۸۹)، در مقاله خود «مشارکت شهروندی و مدیریت شهری؛ مورد نمونه: شهر تبریز» به بررسی این موضوع پرداخته که نتایج حاصل از آن نشان داد که متاسفانه، نهادهای سیاسی، دولتی و اجرایی در سطح بسیار ضعیفی در نیل تحقق و رسیدن به اجزاء مشارکت عمل می‌کنند.

[3] *Rose*
[4] *Smith*
[5] *Lee*

سوال تحقیق

آیا بین "جنسیت، تحصیلات و شغل شهروندان" و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطهٔ معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری

هرچند بسیاری از پژوهشگران معتقدند تعریف مشخصی برای مدیریت شهری[6] وجود ندارد (Stren 1993, Mattingly 1994, Werna 1995)، اما تلاش‌هایی برای آشکارسازی و ارائه دیدی کل‌نگر از مدیریت شهری صورت گرفته است. در این نگاه مفهوم مدیریت شهری فراتر از مفهوم صرف ادارهٔ امور شهر است که با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند می‌یابد. در این نگرش، مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک تلقی می‌شود که به ناچار نتایج عملیاتی نیز دارد و به همین دلیل تعامل آن به حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌ناپذیر است (MacGill,1998). مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی[7] موثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعهٔ همه‌جانبه و پایدار شهر است. اما اکثر صاحب‌نظران امور شهری به این نتیجه رسیده‌اند که چنین مدیریتی بدون همکاری و مشارکت ذینفعان اصلی امور شهر (مردم)، موفقیت چندانی در ادارهٔ شهرها ندارند (کاظمیان و دیگران، ۱۳۸۹: ۲). بنابراین اگر بخواهیم با لحاظ این مسائل تعریفی نسبتا جامع از مدیریت شهری ارائه کنیم می‌توانیم بگوییم مدیریت شهری عبارت است از، «فرآیند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی‌های یکپارچه به کمک مقامات شهری با در نظرگرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای تحقق پتانسیل توسعه اقتصادی پایدار تدوین می‌شود» (Van Dijk,2006:53-56).

جدول۱. اهداف کلان و خرد مدیریت شهری

زمینهٔ مطالعاتی	اهداف کلان	اهداف خرد
محیط نظام	تقویت و کمک به فرآیند توسعه جوامع شهری و تحکیم مبانی توسعه پایدار	۱. تقویت انگیزه‌ها و مکانیزم‌های مشارکت شهروندان در ادارهٔ امور شهر ۲. تقویت انگیزه‌ها و مکانیزم‌های حداکثر بهره‌گیری از منابع توسعه شهر ۳. ایجاد و تقویت عناصر و نهادهای انتخابی مردم برای ادارهٔ امور شهر ۴. کمک به فرآیند توسعه و اصلاح ساختار اداری ۵. افزایش ضریب برنامه‌پذیری و مدیریت‌پذیری شهرها
روابط موجود در نظام (سیستم)	تعیین و تدقیق هویت و جایگاه نظام مدیریت شهری در نظام کلان مدیریت کشور	۱. هماهنگ‌سازی نظام مدیریت شهری با سیستم حکومتی ۲. هماهنگ‌سازی نظام مدیریت شهری با ساختار اداری – اجرایی کلان ۳. تفویض مسئولیت‌ها و اختیارات ضروری به نظام مدیریت شهری
عناصر و تشکیلات نظام	- تلقی نظام مدیریت شهری به مثابه یک نظام مدیریتی جامع و کامل برای ادارهٔ شهر و حوزهٔ شهری- تقویت و تجهیز شهرداری برای ایفای نقش عنصر اصلی در نظام مدیریت شهری	۱. یکپارچه شدن نظام مدیریت شهری و تمام عناصر جغرافیایی و عملکردی ذیربط در آن ۲. طراحی دقیق روابط درون سازمانی و بین سازمانی کلیه عناصر به منظور حداکثر بهره‌گیری از عناصر آنها ۳. تقویت جایگاه و نقش شهرداری ۴. تفویض اختیارات و مسئولیت‌های لازم برای ادارهٔ تمام حوزه شهر

ماخذ: کاظمیان – جلالی فهیم به نقل از (سلطان زاده،۱۳۹۳:۲۵)

سیر تحول مدیریت شهری در ایران، به مفهوم امروزی خود، تقریبا راهی صد ساله را طی کرده است. در سال ۱۲۸۶ خورشیدی و یک سال پس از گشایش اولین مجلس شورای وقت، سه قانون بلدیه، انجمن‌های ایالتی و تشکیل ایالات و ولایات به تصویب مجلس وقت رسید. انجمن‌های بلدی نیز قبل از آنکه بتوانند کاری از پیش ببرند، بعد از چهار سال به پیشنهاد دولت وقت منحل گردیدند. در سال ۱۳۰۹ خورشیدی نیز قانون بلدیه و تغییر نام آن به شهرداری به تصویب رسید. در سال ۱۳۱۱ تعریض معابر و تخریب دیوارهای کهن؛ در سال ۱۳۱۶، نقشه‌ی جدید تهران و دگرگونی شکلی در شهر؛ در سال ۱۳۱۸، تصویب آئین‌نامه پیش‌آمدگی ساختمان‌ها در گذرگاه‌ها؛ در سال ۱۳۲۸، تصویب لایحه قانونی تشکیل شهرداری و انجمن شهر؛ در سال ۱۳۳۱، لایحه قانونی ثبت اراضی موات تهران؛ در سال

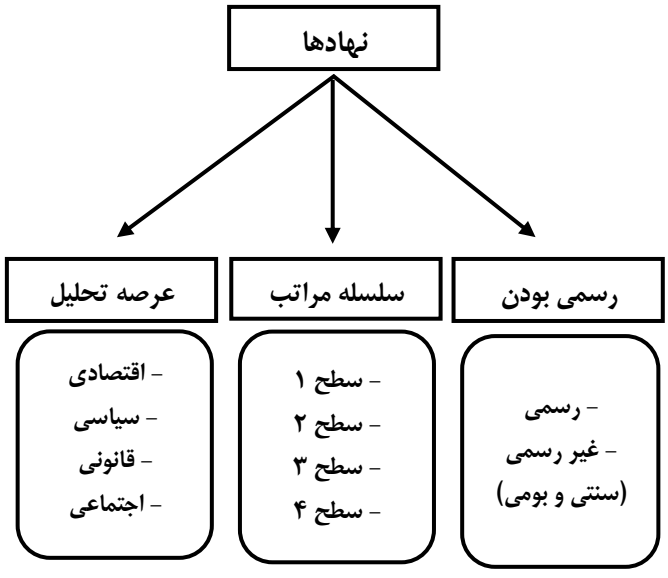
[6] *Urban Management*
[7] *Formal & Informal*

۱۳۳۹، قانون تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های شهرسازی و خانه‌سازی؛ در سال ۱۳۴۲، اصلاح قانون توسعه و تعریض معابر و زمین؛ در سال ۱۳۴۳، قانون تملک آپارتمان‌ها؛ در سال ۱۳۴۵، طرح جامع تهران و در سال ۱۳۵۲، قانون نظارت بر گسترش شهر تهران به تصویب مجلس‌های وقت رسید. در سال ۱۳۱۶، نظام اداری و تقسیمات کشوری، مبتنی بر قانون تشکیل ایالات و ولایات تغییر یافت و به جای آن قانون تقسیمات کشوری به تصویب رسید. براساس این قانون، سلسله مراتب استان، شهرستان، بخش و دهستان توسط استاندار، فرماندار، بخشدار و دهدار به اجرا درآمد. طبق این قانون شهرداری‌ها به منزله‌ی ادارات دولتی بودند و زیر نظر فرماندار به انجام وظیفه می‌پرداختند. از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۵۷، علاوه بر اصلاح تدریجی قوانین مربوط به شهرداری‌ها و انجمن‌های شهر، عناصر و نهادهای رسمی جدیدی بر اساس تصمیمات دولت‌های وقت به چرخه‌ی مدیریت شهری ایران وارد شدند که در راس آنها باید از سازمان برنامه و بودجه، وزارت مسکن و شهرسازی، اتحادیه شهرداری‌ها و دفاتر فنی استانداری‌ها نام برد (شیعه، ۱۳۸۲: ۵۰). در سال ۱۳۷۵ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس تایید شورای نگهبان رسید و در تاریخ ۱۳۷۵/۴/۱۱ برای اجرا از طرف رئیس جمهور به وزارت کشور ابلاغ شده است. در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵، تعداد ۱۶۷ شهرداری جدید در کشور تاسیس شده است. در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرهای کشور به ۶۱۴ شهر رسید، و در حال حاضر بیش از ۱۰۸۸ شهرداری در کشور مدیریت اجرایی بیش از ۶۴ درصد جمعیت کشور را در حوزه‌ی خدمات و عمران شهری بر عهده دارند (غفاری و جمشیدزاده، ۱۳۹۰: ۸۰ – ۸۴). در اداره‌ی امور، نهادهای شهری نیز نقش غیر قابل انکاری را بازی می‌کنند. اصطلاح نهاد مفهومی فازی است؛ بنابراین تعریف آن بسیار دشوار است و نظریه‌پردازان مختلف نهادگرا این مفهوم را در ارتباط با حوزه کاری خود تعریف می‌کنند (Goldsmith, 1992: 582- 587)؛ بنابراین ادبیات کنونی بر روی یک تعریف واحد و جامع که مورد توافق همه دانشمندان نهادگرا باشد، وجود ندارد و هر کس مطابق تفکر و ذهنیت‌های خود به تعریف جداگانه‌ای از نهاد پرداخته است؛ اما اکثر ادبیات این موضوع یک تعریف با بالاترین میزان مقبولیت از نهادها را پذیرفته‌اند. رایج‌ترین تعریف از نهاد توسط نورث به صورت زیر ارائه شده است:

- *نهادها قوانین بازی در جامعه هستند؛ یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند* (نورث، ۱۳۷۷: ۱۹).

راه‌های مختلفی برای طبقه‌بندی نهادها وجود دارد. این طبقه بندی بر اساس سه روش زیر صورت پذیرفته است: (درجه رسمی بودن؛ سطوح سلسله مراتبی و عرصه تحلیل).

شکل ۱- روش‌های مختلف طبقه‌بندی نهادها



(Jutting, 2003: 11)

رسمی بودن: نهادها چهارچوب‌هایی هستند که در آن تعاملات انسانی صورت می‌پذیرد. نهادها هم قوانین رسمی نوشته شده و هم قواعد و اصول غیر رسمی نانوشته‌ای را شامل می‌شود که مبنای قوانین رسمی بوده و آن‌ها را تکمیل می‌کند (همان). قواعد رسمی و محدودیت‌ها شامل موارد زیر است:

- قانون اساسی، قوانین موضوعه، حقوق مالکیت، مجوزها، آیین‌نامه‌ها، مقررات و دستورالعمل‌ها
- ویژگی‌های اجرایی (تصویب، تحریم، ضمانت اجرایی و ...)

قواعد غیر رسمی موارد زیر را شامل می‌شود:

- تمدید، توسعه، بسط، اصلاحات و تغییرات قواعد رسمی
- هنجارهای اجتماعی (آداب و رسوم، تابوها و سنن)

سلسله مراتب: ویلیامسون نهادها را در چهارچوب طبقه بندی نورث، بر اساس سطوح سلسله مراتبی تنظیم نمود. او نهادها را در یک طبقه‌بندی سلسله مراتبی به چهار سطح شامل نهادهای مرتبط با ساختار اجتماعی جامعه، نهادهای مرتبط با قواعد بازی، نهادهای مرتبط با قواعد بازی و نهادهای مرتبط با مکانیسم‌های تخصیص مطابق جدول زیر تقسیم کرد (همان).

جدول ۲. طبقه‌بندی نهادها بر اساس سطوح سلسله مراتبی

سطح طبقه‌بندی	مثال	میزان تغییرات	اثرات
- *سطح ۱:* نهادهای مرتبط با ساختار اجتماعی جامعه	- عموماً شامل نهادهای غیر رسمی همچون سنت‌ها، هنجارها، رسوم و عرف‌ها و عادات اجتماعی هستند.	- تغییرات این گروه از نهادها عموماً در طولانی مدت صورت می‌گیرد. اما ممکن است بر اساس بحران‌ها و شک‌هایی که به جامعه وارد می‌شود، در کوتاه مدت نیز تغییر کنند.	- این گروه از نهادها شیوه‌هایی که افراد بر اساس آن‌ها رفتار می‌کنند و جامعه بر اساس آن‌ها خود را هدایت می‌کند، را تعیین می‌نماید.
- *سطح ۲:* نهادهای مرتبط با قواعد بازی	- عموماً شامل قوانین رسمی که حقوق مالکیت و سیستم قضایی را تعیین می‌کنند، می‌باشد.	- تغییرات این گروه از نهادها نیز نسبتاً طولانی مدت است.	- محیط نهادهای کلی و کلان جامعه را تعیین می‌کنند.
- *سطح ۳:* نهادهای مرتبط با اصل بازی	- قواعدی که ساختار حکمروایی خاص یک کشور و روابط قراردادی مانند قراردادها و سفارشات تجاری را تعیین می‌کند.	- این‌گونه نهادها معمولاً در میان مدت تغییر می‌کنند.	- ساختار سازمانی را مشخص می‌سازند.
- *سطح ۴:* نهادهای مرتبط با مکانیسم‌های تخصیص	شامل قوانین مرتبط با چگونگی تخصیص منابع (همانند کنترل جریان سرمایه، رژیم‌های تجاری، سیستم‌های امنیت اجتماعی) هستند.	- این گونه نهادها در کوتاه مدت و به صورت مداوم در حال تغییر و تحول‌اند.	- این گروه از نهادها بر مواردی هم‌چون تنظیم مشوق‌ها، چگونگی اشتغال افراد، تعیین قیمت‌ها و ... اثر می‌گذارند.

منبع: (Jutting, 2003 : 12)

عرصه‌ی تحلیل: سومین روش طبقه‌بندی نهادها بر اساس تفاوت عرصه‌ها انجام شده است. چهار دسته رایج این عرصه عبارت‌اند از:

- *نهادهای اقتصادی:* شامل قوانین و مقررات بازار هستند و فرآیندها و چگونگی تولید، توزیع و تخصیص کالاها و خدمات را مشخص می‌سازند.
- *نهادهای سیاسی:* شامل نهادهایی هستند که اصول و معیارهای مفصل فرآیندهای سیاسی همانند قانون انتخابات، نوع نظام سیاسی، ترکیب احزاب، شاخص‌های تعادل و پایداری سیاسی و امثال آن را مشخص می‌کنند.
- *نهادهای قانونی:* به انواع نظام‌های حقوقی، تعیین و اجرای حقوق مالکیت و منشأ قانون اشاره دارند.
- *نهادهای اجتماعی:* قوانینی را در بر می‌گیرند که دسترسی به بهداشت، آموزش، امنیت اجتماعی و غیره را تعیین می‌کنند (همان).

برای اداره‌ی امور و نیز موفقیت در طرح‌ها و پروژه‌های شهری، مشارکت و دخالت دادن شهروندان، و نیز دستیابی به حقوق شهروندی‌شان[8]، غیر قابل انکار است. شهروند مرکب از دو کلمهٔ «شهر» به معنای جامعهٔ انسانی و «وند» به معنای وابسته به این جامعه و از واژهٔ لاتین «سویتاس / Civitas» مشتق شده است (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). شهروند عبارت است از کلیه افراد اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ، از هر نوع دین، آئین، قومیت و طبقه‌ی اجتماعی که در یک جامعه زندگی می‌نمایند. شهروند به اتباع یک شهر یا کشور اطلاق می‌شود که توسعه و رعایت و ایجاد مصادیقی مانند: آزادی، مالکیت، امنیت و غیره برای آحاد مردم در نظر گرفته می‌شود (ساعی ارسی، ۱۳۹۱). در تعریف مارشال از شهروندی، شهروندی پایگاهی اعطا شده به کسانی است که عضو کامل یک اجتماع‌اند. تمام کسانی که از این پایگاه برخوردارند، بنابر حقوق و وظایف مرتبط با این پایگاه با هم برابرند. هیچ اصل عاملی وجود ندارد که تعیین کند حقوق و وظایف مذکور چه باید باشند (Marshal, 1994: 17).

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیهٔ حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹م فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱م قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸م در مجمع عمومی ملل متحد به امضاء کشورها رسید، در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه الهام گرفته است (ر.ش به محسنی، ۱۳۸۹). در تعریفی جامع‌تر شاید بتوان گفت «حقوق شهروندی، مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی است که در جهت حفظ شخصیت و کرامات انسانی در تمامی حدود سیاسی، قضایی و اجتماعی برای انسان متصور می‌باشد و جامعه و حکومت به صورت مشترک ستون اجرای آن می‌باشند» (قربانی‌پور و دیگری، ۱۳۸۶).

مارشال[9] سه نوع حقوق را در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص می‌دهد:

جدول ۳. سه نوع حقوقِ شهروندیِ مطرح شدهٔ مارشال

ردیف	نوع حقوق	شرح
۱	**مدنی**	آزادی افراد برای زندگی در هر جایی است که انتخاب می‌کنند و شامل آزادی بیان، مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است
۲	**سیاسی**	شامل حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن است
۳	**اجتماعی**	این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد و رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و شامل حقوقی مانند مزایای بهداشتی و درمانی، تامین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است

منبع: (خوئینی، ۱۳۸۶: ۱۹)

یکی از حقوق اساسی شهروندی، مشارکت[10] است. مشارکت در مفهوم لغوی آن، به معنای قسمت، جزء و بخش گرفته شده است. این کلمه از ریشه لاتین Participato به معنای "با خود داشتن" در نفس خویش، چیزی از غیر داشتن و "سهمی در چیزی از غیر خود داشتن" است. یعنی سهیم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است (ر.ش به آریانپور، ۱۳۷۴). در تعریفی نسبتا جامع از مشارکت آمده: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند تعریف شده است (طوسی،۱۳۷۰:۴۳).

سطوح مشارکت به چهار دسته به صورت زیر تقسیم می‌شود:

۱) مشارکت در تصمیم‌گیری، مدیریت و سیاست‌گذاری: دولت و مردم باید مانند دو شریک دارای منافع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کلیه کارهای مربط به توسعه و اداره امور ملی و محلی کشور دوش به دوش یکدیگر و هماهنگ با یکدیگر، فعالیت کنند (معطوف، ۵۱:۱۳۷۸).

۲) مشارکت در اجرا: در این سطح از مشارکت که در حال حاضر، بیشتر در دست متخصصین و مسئولین می‌باشد، اگر مسئولین و متخصصین امور شهری واقعا بخواهند، می‌توانند مردم را به صورت بسیار فعالانه‌ای در اجرا سهیم نمایند. حال آنکه در بعضی از جوامع از برنامه‌ریزی ظاهرفریبانه (صوری و فریب) استفاده می‌نمایند، که ظاهرا نشان دهند که مردم در حال مشارکت هستند. در صورتی که

[8] *Citizen Rights*
[9] *Marshal*
[10] *Participation*

مردم در اجرای پروژه‌های شهری و محله‌ای خود شریک باشند و مشارکت نمایند، بحران‌ها کمتر شده و مردم به اهداف خود می‌رسند (علوی تبار، ۲۹:۱۳۷۹).

۳) مشارکت در نظارت: مشارکت در نظارت مستلزم همیاری مردم، حکومت، دولت، مسئولین و متخصصین می‌باشد. با قدرت نظارت، مردم شاهد تحولاتی خواهند بود که اولویت آنان را شامل می‌شود و همچنین منافع اکثریت نه منافع شخصی را دربرمی‌گیرد. برنامه‌ریزی مناسب به گونه‌ای است که اقلیت "ناراضی" حاصل از یک طرح مشارکتی را به گونه‌ای راهبری کند که بحران ساز نباشند (Forester, 1999: 218).

۴) مشارکت در ارزشیابی و بررسی بازخوردها: با استفاده از سیستم‌های جدید مثل IT[11] و ICT[12] و ... بدلیل اینکه مراحل کنترل پروژه‌ها (طرح‌ها و برنامه‌ها) دائما بر روی رایانه ثبت شده و اطلاعات در دسترس می‌باشد و در آن سیستم اطلاعات و داده‌ها مخفی نمی‌شوند، مردم، مسئولین و ... می‌توانند لحظه به لحظه از مراحل اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها و میزان پیشرفت کار، مشکلات، امکانات و ... مطلع شده و در صورت تمایل نظرهای مشورتی خود را جهت استفاده در طرح‌ها و برنامه‌ها ارائه داده و بازخوردها را در حین اجرا ملاحضه نمایند وسیستم را تحت کنترل داشته باشند (شوریانی، ۱۳۸۶: ۲۹).

روش تحقیق

این پژوهش با توجه به نحوۀ گردآوری داده جزء پژوهش‌های توصیفی – تحلیلی محسوب می‌شود. ابتدا با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی، منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری شد، سپس چارچوب نظری پژوهش تهیه شد. همچنین بر اساس چارچوب نظری، متغیرها و چارچوب‌های مسئله تعیین، و از طریق مصاحبه سازمان یافته و ابزار پرسش‌نامه، اطلاعات جمع‌آوری شد، بعد از آن حجم نمونه از طریق فرمول کوکران (حافظنیا، ۱۳۹۳: ۱۶۷)، ۳۸۳ بدست آمد، که برای دست‌یابی به نتیجه دقیق‌تر و کاهش اشتباهات احتمالی، حجم نمونه به ۴۰۰ پرسش‌نامه افزایش پیدا کرد (جامعه آماری شهر بانه در سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۳۲.۵۶۵ نفر بوده است) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). پرسش‌نامه بین افراد بالای ۱۵ سال (اعم از زن و مرد) توزیع شد، و در نهایت نتایج حاصله از طریق نرم‌افزار SPSS از جمله آزمون T Test، تحلیل رگرسیون چند متغیّره، آزمون ANOVA و آزمون رتبه‌بندی فریدمن (Friedman) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند؛ و برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی کندال استفاده شد. همچنین پایایی متغیرهای تحقیق از طریق آلفای کرونباخ عدد بدست آمد (جدول شماره ۴)، همانطور که مشاهده می‌شود، تمام اعداد بدست آمده نزدیک به عدد "۱" است که نشان از همبستگی مطلوب و قوی بین سوالات است. و نیز روایی پرسش‌نامه توسط اساتید و افراد آگاه در این زمینه تایید گردید (پرسشنامه به تایید ۷ استاد هیات علمی، و ۴ فرد آگاه که در زمینه مشارکت شهروندی و مدیریت شهری فعالیت دارند، رسیده است).

جدول ۴: سنجش پایایی متغیرهای تحقیق از طریق آلفای کرونباخ

ردیف	متغیر	آلفای کرونباخ
۱	مالی	۰.۹۴۶
۲	ذهنی و معنوی	۰.۹۶۲
۳	فیزیکی	۰.۹۷۲
۴	سیاسی	۰.۸۵۴
۵	ابزاری	۰.۹۷۲

منبع: (محاسبه‌ی نگارندگان)

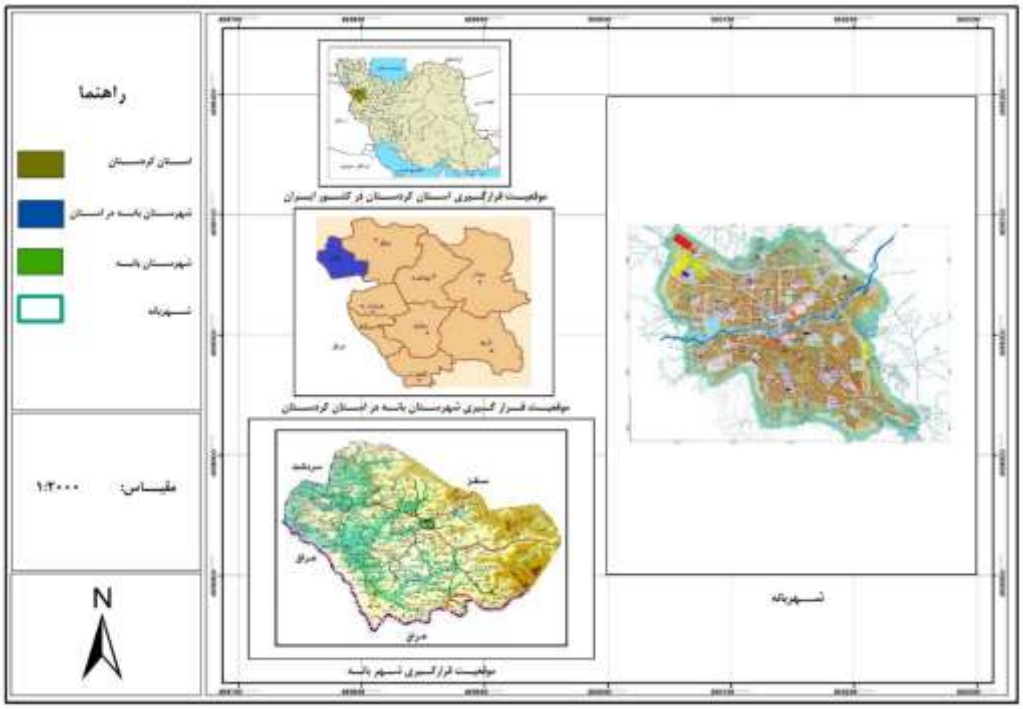
محدوده‌ی مورد مطالعه

شهرستان بانه، در غرب استان کردستان قرار دارد. از شمال و قسمتی از غرب، به آذربایجان غربی (شهرستان‌های بوکان و سردشت) و قسمتی از غرب و جنوب به خاک عراق، و از شرق به شهرستان سقز محدود شده است. ناحیه‌ای کوهستانی است با جنگل‌های تنک، که در قسمت علیای رشته کوه زاگرس قرار دارد. جمعیت این شهرستان بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر با ۱۳۲.۵۶۵ نفر بوده است. با توجه به رشد سریع و غیرقابل پیش‌بینی جمعیت شهری (شهر بانه با نرخ رشد شهرنشینی۳.۸۸، بالاترین نرخ رشد را در استان

[11] *Information Technology*
[12] *Information & Communication Technology*

کردستان داراست (مرکز آمار ایران / ۱۳۹۰) ، و به تبع افزایش مشکلات و معضلات شهری، لزوم اهمیت همکاری بین مسئولین و نهادهای شهری با مشارکت مردم در ادارهٔ امور شهری، و حل و برطرف کردن مشکلات، بیش از پیش آشکار می‌شود.

شکل ۲- محدوده‌ی مورد مطالعه



منبع: (نگارندگان)

یافته‌ها (تجزیه و تحلیل داده‌ها)

- یافته‌های توصیفی پرسش‌نامه

در تحقیق حاضر ۲۷۱ مرد و ۱۲۹ زن، پاسخگوی پرسش‌نامه‌های محققان بوده‌اند. به این ترتیب مردان ۶۸ ٪ و زنان ۳۲ ٪ از کل جامعهٔ آماری را شکل داده‌اند. طبق جدول شمارهٔ ۵، ۹ درصد افراد بین ۱۵ – ۲۵ سال معادل ۳۷ نفر؛ ۲۳ درصد افراد بین ۲۶ – ۳۵ سال معادل ۹۳ نفر؛ ۳۴.۵ درصد افراد بین ۳۶ – ۴۵ نفر معادل ۱۳۸ نفر؛ ۲۲ درصد افراد بین ۴۶ – ۵۵ سال معادل ۸۷ نفر، ۹ درصد افراد بین ۵۶ – ۶۵ سال معادل ۳۷ نفر و نیز ۲ درصد افراد بیش از ۶۵ سال سن داشتند، که مورد پرسشگری قرار گرفتند. در زمینهٔ تحصیلات نیز، سطوح سواد «فوق دیپلم، لیسانس به بالا، ابتدایی، بی‌سواد، دیپلم و راهنمایی» به ترتیب با «۲۲/۳، ۲۱، ۱۷/۸، ۱۴، ۱۳/۳ و ۱۱/۸ درصد» بیشترین افراد تشکیل‌دهنده مورد تحقیق را شامل می شوند. همچنین ۵۸ درصد افراد جامعهٔ آماری ما مجرد، و ۴۲ درصد نیز متاهل بوده‌اند. و در نهایت در زمینهٔ شغلی نیز، شغل‌های «خانه‌دار، دانشجو، شغل آزاد، کارگر، بیکار و کارمند» به ترتیب با درصدهای «۲۴، ۱۹/۷، ۱۹/۵، ۱۸/۳، ۱۳ و ۵/۵»، افراد تشکیل دهندهٔ مورد تحقیق ما را شامل می‌شوند.

جدول ۵. مشخصات پرسش‌شوندگان

ردیف	ویژگی	شرح					
۱	*سن*	۱۵ – ۲۵	۲۶ – ۳۵	۳۶ – ۴۵	۴۶ – ۵۵	۵۶ – ۶۵	+ ۶۵
	فراوانی	۳۷	۹۳	۱۳۸	۸۷	۳۷	۸
	درصد (٪)	۹/۳	۲۳/۳	۳۴/۵	۲۱/۸	۹/۳	۲
۲	*جنس*	مرد				زن	
	فراوانی	۲۷۱				۱۲۹	
	درصد (٪)	۶۸				۳۲	
۳	*تحصیلات*	بی سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس به بالا
	فراوانی	۵۶	۷۱	۴۷	۵۳	۸۹	۸۴
	درصد (٪)	۱۴	۱۷/۸	۱۱/۸	۱۳/۳	۲۲/۳	۲۱
۴	*تاهل*	مجرد				متاهل	
	فراوانی	۲۳۳				۱۶۷	
	درصد (٪)	۵۸				۴۲	
۵	*شغل*	بیکار	کارگر	خانه دار	دانشجو	کارمند	شغل آزاد
	فراوانی	۵۲	۷۳	۹۶	۷۹	۲۲	۷۸
	درصد (٪)	۱۳	۱۸/۳	۲۴	۱۹/۷	۵/۵	۱۹/۵

منبع: (تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه ۱۳۹۵)

- یافته‌های تحلیلی پرسش‌نامه

یکی از مفروضاتی که در رگرسیون مدنظر است، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها رد شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر، از آزمون دوربین – واتسون[۱۳] استفاده می‌شود. دوربین – واتسون، این این گزینه آماره‌های توصیفی برای باقیمانده‌های استاندارد شده و نشده و مقادیر پیش‌بینی شده ارائه می‌کند (رجب‌زادهٔ قطری و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۷)

جدول ۶. مشخص کردن استقلال خطاها از طریق دوربین - واتسون

Durbin – Watson	Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R
۱/۷۸۲	۰/۱۷۱	۰/۸۶۶	۰/۸۷۱	۰/۹۳۳

منبع: (محاسبه‌ی نگارندگان)

R: میزان همبستگی چندگانه بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. هر چه به عدد یک نزدیکتر باشد، همبستگی قوی‌تر است.

R Square: این ضریب معروف به ضریب تعیین است و میزان تبیین واریانس و تغییرات متغیر وابسته توسط مجموعه متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد.

Adjusted R Square: ضریب تعیین تعدیل شده نامیده می‌شود. در این ضریب، مقدار ضریب تعیین با درجات آزادی تعدیل شده است و معمولا از این ضریب استفاده می‌شود.

Std. Error of the Estimate: خطای استاندارد برآورد، که این عدد هر چه کوچکتر باشد، پیش‌بینی دقیق‌تر و ضریب همبستگی قوی‌تر است.

از آنجایی که در جدول بالا (شماره ۶) مقدار آماره دوربین – واتسون برابر با «۱/۷۸۲» بوده و این عدد در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد و نزدیک به عدد ۲ می‌باشد، پس فرض عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

الف) تحلیل رگرسیون چند متغیّره میزان مشارکت

در جدول شمارهٔ ۷: با توجه به اینکه R در تمامی انواع مشارکت نزدیک به عدد یک می‌باشند، همبستگی قوی بین متغییرها برقرار است. در ستون مربوط به آزمون ANOVA (F) (اگر گروه‌ها مستقل باشند و تعداد گروه‌ها بیشتر از دو باشند باید از آزمون F که تحلیل واریانس یا ANOVA نیز نام دارد استفاده شود. ذکر این نکته ضروری است که آزمون F تفاوت بین میانگین‌ها را مورد بررسی

[13] *Durbin - Watson*

قرار می‌دهد)، هر چه سطح معناداری یعنی .Sig از ۰.۵ کمتر باشد، بیانگر معناداری مدل رگرسیون است (در انواع مشارکت سطح معناداری کمتر از ۰.۵ است). و در نهایت کاربرد ضریب Beta هنگامی است که بیش از یک متغییر مستقل داشته باشیم. در این صورت مقدار Beta به ما کمک می‌کند که سهم نسبی هر متغیر مستقل را در پیش‌بینی متغیر وابسته مقایسه کنیم و به عبارتی بتوانیم تعیین کنیم که کدام متغیرها بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته دارند (همان). پس با توجه به جدول شماره ۷، مشاهده می‌شود که مشارکت‌های مالی و فیزیکی با نتیجهٔ عددی «۰/۱۵۹ و ۰/۱۳۴»، می‌توانند بیشترین تاثیر را در بر متغیر وابسته (مشارکت) داشته باشند. دلیل این است که، با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی بانه از شرایط خوبی برخوردار است (وجود بازارچه‌های مرزی با کشور عراق و نیز نزدیکی به کشور ترکیه) و اشتغال زیاد شهروندان به امور وابسته به بازارچه‌های مرزی، از جمله مغازه‌داری، فعالیت‌های خدماتی، حمل و نقل وسایل و اجناس و...، شهروندان تا حدود زیادی می‌توانند در زمینه‌ی اداره‌ی امور شهری، مشارکت مالی قابل توجهی داشته باشند. و نیز با توجه به جوانی جمعیت شهر بانه (جمعیت جوان و میانسال بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰،" ۱۵ تا ۶۴ سال"؛ ۶۷ درصد بوده است)، که درصد بالایی را نشان می‌دهد، که می‌توان از این نیروی جوان در امور مربوط به شهر، که نیازمند حضور افراد می‌باشند بهره گرفت.

جدول ۷. آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیّره میزان مشارکت

نوع مشارکت	R	R Square	F (ANOVA)	T	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Sig.
					Beta	Std. Error	B	
مالی	۰/۹۳۳	۰/۸۷۱	۱۵۲/۲۴۷	۱۸/۳۹۰	**۰/۱۵۹**	۰/۰۴۲	۰/۷۸۱	۰/۰۰۰
ذهنی و معنوی	۰/۹۹۱	۰/۹۸۲	۱۲۴۴/۷۱۱	- ۵/۴۰۳	**۰/۰۹۸**	۰/۰۵۹	- ۰/۳۲۰	۰/۰۰۰
فیزیکی	۰/۹۷۱	۰/۹۴۲	۳۴۶/۴۲۵	- ۰/۹۸۷	**۰/۱۳۴**	۰/۰۷۱	۰/۰۷۰	۰/۳۲۴
سیاسی	۰/۹۶۳	۰/۹۲۸	۲۸۹/۰۴۰	۲۲/۵۹۷	**- ۰/۳۲۶**	۰/۰۳۴	۰/۷۵۸	۰/۰۰۰
ابزاری	۰/۹۸۸	۰/۹۷۵	۸۸۹/۹۷۷	- ۵/۲۸۹	**۰/۰۱۵**	۰/۰۶۵	- ۰/۳۴۴	۰/۰۰۰

منبع: (تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه ۱۳۹۵)

ب) سنجش و رتبه‌بندی عملکرد نهادهای مسئول شهری از طریق آزمون T Test و آزمون فریدمن

برای بکار بردن آزمون T Test (این آزمون برای ارزیابی میزان همقوارگی یا یکسان بودن و نبودن میانگین نمونه‌ای با میانگین جامعه بکار می‌رود و شکل توزیع آن نرمال است)، متغیر مورد مطالعه (مدیریت شهری) در مقیاس فاصله‌ای باشد، شکل توزیع آن نرمال و تعداد نمونه آن کمتر از ۳۰ باشد (در این تحقیق برای مدیریت شهری ۶ نمونه در نظر گرفته شده است). و آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری، معادل آنالیز واریانس با اندازه‌های تکراری (درون گروهی) است که از آن برای مقایسهٔ میانگین رتبه‌ها در بین گروه‌ها استفاده می‌شود (همان).

در جدول شمار ۸، مشاهده می‌شود که به عنوان مثال، عملکرد استانداری با نمایهٔ عددی «۴۷/۱۹۲» و عملکرد نمایندگان منتخب مجلس با نمایهٔ عددی «۳۸/۶۶۶» بهترین و بدترین عملکرد از دیدگاه شهروندان را به خود اختصاص داده‌اند (ستون مربوط به One – Sample T Test) و عملکرد نهادهای مسئول دیگر مانند (عملکرد فرمانداری، شهرداری، شوراهای حل اختلاف و شورای شهر به ترتیب با ارزش عددی ۴۳/۶۰۶، ۴۳/۴۱۷، ۴۲/۰۰۲ و ۴۲/۵۳۲ در رتبه‌های بعدی قرار دارند)؛ و نیز از طریق آزمون فریدمن عملکرد هر کدام از نهادهای مسئول ارزش‌گذاری و رتبه‌بندی شده‌اند.

جدول ۸. سنجش و رتبه‌بندی عملکرد نهادهای مسئول شهری از طریق آزمون T Test و آزمون فریدمن

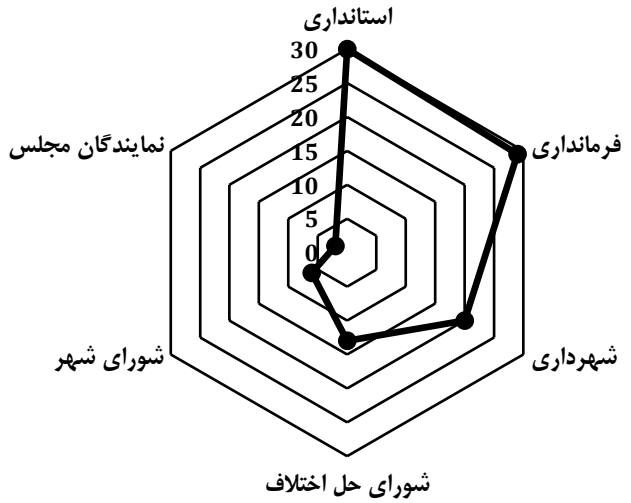
ردیف	نهادهای مسئول شهری	میانگین	Std. Deviation	One – Sample T Test	Sig.	Friedman Test	رتبه
1	عملکرد شورای شهر	۲/۴۲۷	۱/۱۴۱	۴۲/۵۳۲	۰/۰۰۰	۲/۶۶	۵
2	عملکرد نمایندگان مجلس	۲/۲۷۲	۱/۱۷۵	۳۸/۶۶۶	۰/۰۰۰	۲/۲۷	۶
3	عملکرد شوراهای حل اختلاف	۲/۵۱۰	۱/۱۹۵	۴۲/۰۰۲	۰/۰۰۰	۲/۹۰	۴
4	عملکرد شهرداری	۲/۸۸۷	۱/۳۳۰	۴۳/۴۱۷	۰/۰۰۰	۴/۰۳	۳
5	عملکرد فرمانداری	۳/۰۲۲	۱/۳۸۶	۴۳/۶۰۶	۰/۰۰۰	۴/۴۱	۲
6	عملکرد استانداری (کل امور وابسته)	۳/۱۳۷	۱/۳۲۹	۴۷/۱۹۲	۰/۰۰۰	۴/۷۲	۱

منبع: (تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه ۱۳۹۵)

ج) هیستوگرام‌های عملکرد نهادهای مسئول شهری و میزان مشارکت شهروندان

در شکل شماره ۳، هیستوگرام میزان رضایت شهروندان از عملکرد نهادهای مسئول شهری ترسیم شده است؛ که سه نهاد «استانداری، فرمانداری و شهرداری» از نظر شهروندان بهترین عملکرد را داشته‌اند. و همچنین سه نهاد «شورای حل اختلاف، شورای شهر و نمایندگان مجلس» عملکرد ضعیفی ارائه داده‌اند.

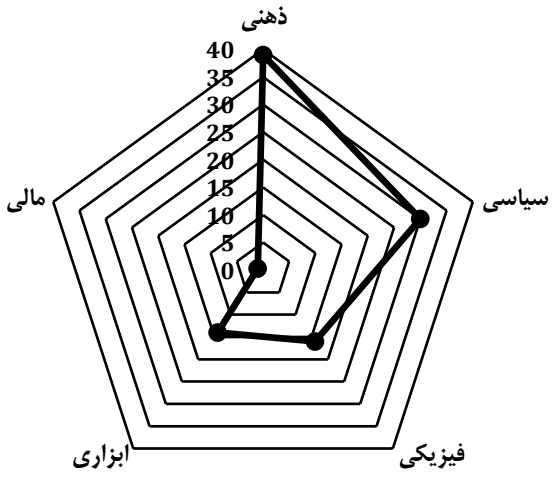
شکل۳- هیستوگرام میزان رضایت شهروندان از عملکرد نهادهای مسئول شهری



منبع: (نگارندگان)

و همچنین هیستوگرام شماره ۴، میزان مشارکت شهروندان را در امور شهری نشان می‌دهد؛ که سه نوع مشارکت «ذهنی، سیاسی و فیزیکی» به ترتیب بیشترین نوع مشارکت، و دو نوع مشارکت «ابزاری و مالی» کمترین نوع مشارکت را شامل می‌شوند.

شکل ۴- هیستوگرام میزان مشارکت شهروندان در ادارهٔ امور شهری



منبع: (نگارندگان)

د) سوال تحقیق

ضریب همبستگی کندال که با نماد W نشان داده می‌شود یک آزمون ناپارامتریک است و برای تعیین میزان هماهنگی میان نظرات استفاده می‌شود. ضریب کندال بین (۰ و ۱) متغیر است. اگر ضریب کندال «صفر» باشد یعنی عدم توافق کامل، و اگر «یک» باشد یعنی توافق کامل. بنابراین، با توجه به توضیحاتی که داده شد، چون ضریب کندال (شدت همبستگی) همهٔ متغیرهای مطرح شده (جنسیت، تحصیلات و نوع شغل) بیشتر از ۰.۷ است، و نیز سطح معناداری (Sig.) آنها کمتر از (۰/۰۵) است، فرضیه‌ی تحقیق تایید می‌شود؛ که بین میزان مشارکت در اداره‌ی امور شهر بانه، و جنسیت، تحصیلات و نوع شغل شهروندان رابطه معناداری وجود دارد (جدول شماره ۹).

جدول ۹. آزمون فرضیه تحقیق

فرضیه	متغیر	شدت همبستگی	سطح معناداری (Sig.)	نوع آزمون
بین "جنسیت، تحصیلات و شغل شهروندان" و میزان مشارکت آنها در امور شهری رابطهٔ معناداری وجود دارد.	جنسیت	۰/۷۵۶	۰/۰۰۰	کندال
	تحصیلات	۰/۷۷۲	۰/۰۰۰	کندال
	نوع شغل	۰/۷۷۵	۰/۰۰۰	کندال

منبع: (محاسبه نگارندگان)

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه شهروندان در توسعه و پیشرفت شهرها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، و می‌توانند با مشارکت خود در امور شهری در هر چه بهتر اجرا شدن طرح‌های شهری به مسئولان و دستگاه‌های مربوطه کمک نمایند. مشارکت شهروندان می‌تواند در سه بخش «برنامه‌ریزی، نظارت و اجرای» طرح‌ها باشد. در طی سال‌های گذشته، بسیاری از برنامه‌ریزان و مدیران در کار مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در سطح جهانی بر ترویج نگرش مشارکتی برای تشویق نوعی مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا و توانمندسازی به منظور نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تاکید داشته‌اند، و تصمیم‌گیری و چاره‌اندیشی در خصوص حل مسائل شهری مبتنی بر اجتماعات محله‌ای با هدف تامین شرایط لازم برای رفاه شهروندان را مد نظر داشته‌اند. یکی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی شهری، بحث مشارکت پایدار مردم در بخش‌های مختلف شهری است. اصولاً اگر قرار باشد مشارکت را در یک رویکرد عملگرایانه به عرصه برنامه‌ریزی شهری وارد کنیم، باید این مشارکت در محیط اجتماعی و اقتصادی و در همهٔ رفتارها و فعالیت‌های روزانه افراد و ساکنان شهری تعیین و تبیین شود. برنامه‌ریزی شهری دارای جایگاهی مهم و نقشی بلند در تکنیک برنامه‌ریزی کلان جامعه است، یعنی اینکه هر نوع تغییر در این ساختار برنامه‌ریزی به طور قطع و یقین، اثرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را بر کل جامعه خواهد گذاشت. بنابراین هدف این تحقیق نیز سنجش عملکرد نهادهای مسئول شهری و میزان مشارکت و نقش شهروندان در ادارهٔ امور شهری بانه است. این پژوهش با توجه به نحوهٔ گردآوری داده جزء پژوهش‌های توصیفی – تحلیلی محسوب می‌شود. ابتدا با استفاده از روش اسنادی و بررسی ادبیات موضوعی، منابع موجود در این زمینه جمع‌آوری شد، سپس چارچوب نظری پژوهش تهیه شد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۸۳ بدست آمد، که برای دست‌یابی به نتیجه دقیق‌تر و کاهش اشتباهات احتمالی، حجم نمونه به ۴۰۰ پرسش‌نامه افزایش پیدا کرد. پرسش‌نامه بین افراد بالای ۱۵ سال (اعم از زن و مرد) توزیع شد، و در نهایت نتایج حاصله از طریق نرم‌افزار SPSS از جمله آزمون T Test، تحلیل رگرسیون چند متغیّره، آزمون ANOVA و آزمون رتبه‌بندی فریدمن (Friedman) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که (آزمون فریدمن و آزمون T Test)، شهروندان بانه‌ای از کیفیت و کمیت عملکرد نهادهای مسئول شهری (مدیریت شهری)، ناراضی‌اند و تجزیه و تحلیل داده‌ها (جدول ۸)، صحت این موضوع را تایید می‌کند. همچنین در شکل (هیستوگرام) شماره سه، به ترتیب سه نهاد استانداری، فرمانداری و شهرداری از نظر شهروندان عملکرد بهتری داشته‌اند و با توجه به شکل (هیستوگرام) شماره چهار، به ترتیب سه نوع مشارکت ذهنی، سیاسی و فیزیکی بیشترین نوع مشارکت شهروندان را شامل می‌شوند. همچنین خود شهروندان نیز به دلایلی از جمله (بیکاری جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نبود امکانات و تجهیزات شهری لازم، عدم اعتماد کافی به نهادهای مسئول، نادیده گرفتن شهروندان و...)، میزان مشارکت‌شان در امور شهری و کمک به بهبود مدیریت شهری در سطح پایینی قرار دارد (جدول شمارهٔ ۷).

پیشنهادات

با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده برای ارتقای سطح مشارکت شهروندان در امور شهری، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:
اعتماد اجتماعی یکی از مهمترین اشکال افکار عمومی در مورد جهان و علوم اجتماعی است. تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت حیاتی بوده و از دید بسیاری از اندیشمندان، این دو با یکدیگر رابطه‌ی متقابل دارند. این امر نشانگر این نکته است که اگر مدیران شهری، خواهان مشارکت شهروندان در امور شهری هستند، ضروری است به طور مستمر، نظر ات اعضا را مد نظر داشته و با تدوین نظامی، آرای مردم را هر چه بیشتر به دست آورند. بنابراین، هر چه مسئولان شهری در ارتباط با مردم، صادقانه عمل کنند و مردم هیچ تردیدی در شفّاف و بهتر عمل کردن مسئولان نداشته باشند، در این صورت گرایش بیشتری به مشارکت در امور شهری خواهند داشت.

اگر می خواهیم مشکلات شهری کمتری داشته باشیم، نیاز به نهادهایی داریم که در تعامل با هم، بتوانند مشکلات شهری را در همه‌ی زمینه‌ها به حداقل برسانند. به نظر می‌رسد یکی از نهادهای مهمی که می‌تواند در کنار سایر نهادهای اجتماعی با مهم قلمداد شدن و پویایی مستمر، زمینه را برای کاهش مشکلات اجتماعی شهری فراهم کند، نهاد شوراهای شهری است. بر اساس نتایج این پژوهش، عملکرد شوراهای شهر بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری بسیار مؤثّر است و همچنین در سطح ضعیفی عمل کرده‌اند. بنابراین، نهاد مذکور باید بیش از پیش در عملکرد خود تجدید نظر کند.

نهاد دیگر، شهرداری است. شهرداری از جمله نهادهایی است که به طور معمول شهروندان توسعه یا عدم توسعه‌ی شهرشان را در گرو عملکرد این نهاد می‌بینند. بنابراین، اگر مسئولان شهرداری می‌خواهند مردم با اکثریت قاطع در طرح‌های آنان مشارکت کنند، ضروری است که بیش از پیش در ارائه‌ی خدمات شهری حساس بوده و در همه‌ی امور، از جمله هزینه‌ها و درآمدها و ...به مردم، روشنگری کنند.

کنترل ساخت و سازهای بی‌رویه‌ی شهری، اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام، حل مشکل آمد و شد، بهسازی بافت‌های فرسوده، رعایت عدالت در انجام طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در نقاط مختلف شهری، به ویژه مناطق محروم و مانند اینها که به عنوان مشکلات مدیریتی در پژوهش حاضر بدان پرداخت شد و شهروندان بر نارسایی‌های موارد مذکور صحه گذاشته‌اند، می‌تواند بر افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار باشد. بنابراین انتظار می‌رود مسئولان شهری مربوطه، موارد یاد شده را در برنامه‌های خود تدارک دیده و در به سرانجام رسیدن آن، تلاشی وافر مبذول دارند.

منابع

۱) آریانپور کاشانی، عباس؛ آریانپور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۴)، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی – فارسی، تهران، انتشارات سپهر

۲) بیرانوند، رضا؛ آبید، محمد؛ کشفی، سعید (۱۳۹۰)، نقش و تکالیف پلیس راهنمایی و رانندگی در رعایت حقوق شهروندی رانندگان، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شمارهٔ ۲۱، صفحات ۳۳ – ۵۲

۳) جاجرمی، ایمان؛ بیگدلی، حسین؛ حناچی، مهناز (۱۳۸۳)، مدیریت شهری پایدار، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم

۴) حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت

۵) خادم الحسینی، احمد؛ قدرجانی، راضیه؛ زاهدی یگانه، امیر (۱۳۹۰)، اداره امور شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهرداری اصفهان)، منطقه آمایش محیط، شماره ۱۷، ۱۵۳ - ۱۷۰

۶) خوئینی، غفور (۱۳۸۶)، حقوق شهروندی و توسعهٔ پایدار، تهران، نشر فرهنگ صبا

۷) رجب‌زادهٔ قطری، علی؛ صفری، رضا؛ معمارپور، مهدی (۱۳۹۳)، کاربرد آمار با نرم‌افزارهای SPSS, LISREL, Smart PLS، تهران، انتشارات نگاه دانش

۸) زیاری، کرامت‌اله؛ زندوی، مجدالدین؛ آقاجانی، محمد؛ مقدم، محمد (۱۳۸۸)، بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله دار، وزنه و هیدج)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳

۹) ساعی‌ارسی، ایرج (۱۳۹۱)، آموزش مطالعات اجتماعی در دورهٔ ابتدایی، تهران، چاپ دوم، انتشارات بهمن برنا

۱۰) سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، مدیریت شهری، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور

۱۱) سلطان‌زاده، اکبر (۱۳۹۳)، ارزیابی اثربخشی عملکرد سرای محله به منظور ارائه الگوی متناسب با ویژگی‌های منطقه و محلات، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر زهره فنی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

۱۲) شوریانی، حسین (۱۳۸۶)، ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه شهری و ارائه الگوی بهینه، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس

۱۳) طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشارکت در مدیریت و حاکمیت، تهران، مرکز آموزشی و مدیریت دولتی، جلد اول

۱۴) عبداله پور، جمال؛ مختارپور، حسن؛ مختارپور، رجبعلی (۱۳۹۳)، مشارکت در اداره‌ی امور شهری: تجارب، آسیب‌ها و زمینه‌ها؛ مطالعه در محله‌های منطقه ۴ شهرداری تهران، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی – فرهنگی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۷۵ - ۲۰۲

۱۵) علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در ادراهٔ امور شهرها (یافته‌های پژوهشی و راهبردها)، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور

۱۶) غفاری، غلامرضا؛ جمشیدزاد، ابراهیم (۱۳۹۰)، مشارکت‌های مردمی و امور شهری (بررسی موانع، مشکلات و راهکارهای توسعهٔ مشارکت‌های مردمی)، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ

۱۷) قربانی‌پور، جمیله؛ رضایی‌نژاد، امیرعلی (۱۳۸۶)، آشنایی با حقوق شهروندی و شهرسازی، چاپ سوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد

۱۸) کاظمیان، غلامرضا؛ حق‌شناس کاشانی، فریده؛ شادمان‌فر، رضا (۱۳۸۹)، بررسی تاثیر الگوی شورایاری محلات در مشارکت شهروندان با مدیریت شهری، فصلنامهٔ مطالعات مدیریت شهری، سال دوم، شمارهٔ سوم

۱۹) محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹)، ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی: راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامهٔ مطالعات سیاسی، سال سوم، شمارهٔ ۱۰، صفحات ۱۱۷ – ۱۴۴

۲۰) مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، استان کردستان / شهرستان بانه

۲۱) معطوف، شریف (۱۳۷۸)، نقش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی توسعهٔ کشور، پژوهش . فصلنامه پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، شمارهٔ سوم

۲۲) مهرزاد، جمال (۱۳۸۹)، مشارکت شهروندی و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر تبریز)، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله‌ای حقوق و تکالیف

۲۳) علیزاده اقدم، محمدباقر؛ عباس‌زاده، محمد؛ کوهی، کمال؛ مختاری، داوود (۱۳۹۳)، نهادهای شهری و مشارکت در اداره امور شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۱۹۵ - ۲۱۴

۲۴) نورث, د. س. (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی (نسخه اول). (م. معینی, مترجم) تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

۲۵) هاشمیان، مریم؛ بهروانفر، حسین؛ نوغانی، محسن (۱۳۹۰)، عوامل موثر بر میزان مشارکت در اداره امور شهر مشهد)، سومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری

26) Baum, H., 2001, Citizen Participation, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, PP. 1840-1846

27) Brown, R. and Glenn, H., 2005, Co management of Wildlife Corridors: the Case for Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal, Journal of Environmental Management, Vol. 74, No. 2, PP.97-106.

27) Forester, john (1999), the deliberative practitioner encouraging participation planning process, the MIT press. USA

28) Goldsmith, A. A. (1992). Institutions and Planed Socioeconomic Change: Four approaches. Public Administration Review, *52*(6), 582-587.

29) Jutting, J. (2003). Institutions and Development: a Critical Review. OECD Development Center.

30) Macgill, R (1998), urban management in developing countries, cities, vol. 15, no 6. Pp. 61

31) Marshal, T.M (1994), Citizenship and social class, in B.S turner & P. Hamilton. Citizenship: critical concepts. London, Routledge

32) Mattingly, M (1994), Meaning of urban management, cities, vol 11, No 3

33) Stren, R (1993), urban management in development assistance, cities, vol 10, No 2

34) UN (2000), Governance, Participation and Partnership. UN. Org

35) Van Dijik, M. Pieter (2006), meaning cities in developing countries: the theory and practice of urban management, Edward Elgar publishing

36) Werna, E (1995), the management of urban development, or the development of urban management? Problems and Pramises of an elusive concepts, cities, vol 12, No 5